

بررسی انواع مجازات ها در حقوق کیفری ایران

(بر مبنای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

نویسنده :

محمد پیرانی (کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و مدرس دانشگاه)

امین پیرانی (دانشجوی کارشناسی حقوق قضایی)

در هر کشوری پاره ای رفتارها به عنوان جرم قلمداد می شوند که اولین و ابتدایی ترین عکس العمل در برابر این رفتارهای مجرمانه، اجرای مجازات است. مجازات ها ویژگی ها و خصوصیتی دارند که در نهایت می تواند نظم را به جامعه باز گرداند هرچند ممکن است این اعاده نظم نتواند زیان های ناشی از جرم را به طور کلی برآورده کند اما تا حدود زیادی می تواند زمینه های حمایت از جامعه و بزه دیده را فراهم کند. باید دقت داشت که در گذشته اگر کسی مرتکب جرمی می شد کلیه نزدیکان و خاندان آن فرد در معرض انتقام خانواده مجنی علیه بودند. ولی پس از سال ها بر مجازات ها اصولی حاکم شد که رعایت این اصول می تواند زمینه ی اجرای یک محاکمه عادلانه و قانونمند را فراهم کند. در این پژوهش سعی شده است که ابتدائاً پس از تعریف مجازات ، در گام دوم به بیان ویژگی ها ، اهداف، اصول حاکم بر مجازات ها پرداخته و در گام نهایی ، انواع مجازات ها در قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران ، مصوب ۱۳۹۲ را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مجازات ها دارای خصوصیتی هستند که می توانند از سویی مجرم را آزار دهند و از جامعه طرد سازند و از سوی دیگر او را اصلاح کنند و یا جامعه را متنبه گردانند. خصوصیات مجازات ها جوهر ذاتی آن ها را تشکیل می دهند و از اهداف آن ها باید تفکیک شوند هرچند در برخی موارد ممکن است اختلاط ویژگی ها و اهداف پیش آید.

۱- ویژگی مجازات ها

مطالب پسین از جمله ویژگی های مجازات ها هستند.

۱- تحقیر آمیز بودن

جامعه در قبال انجام جرم، از خود واکنش نشان می دهد. از جمله این واکنش ها اعمال مجازات بر فردی است که مقررات جامعه را نقض نموده است. تحقیر آمیز بودن مجازات با دور کردن مجرم از اجتماع و ایجاد فاصله بین او و دیگر افراد جامعه محقق می شود. حتی در مورد نحوه اجرای مجازات نیز می توان خصیصه تحقیر آمیز بودن را جست مانند اجرای مجازات در ملا عام و یا انتشار حکم محکومیت در رسانه جمعی.

۲- عذاب آور بودن (آزار دهی و آسیب رسانی)

مجرم باید عذاب و رنجی را که با ارتکاب جرم به دیگران و جامعه تحمیل کرده است، خود نیز تحمل کند. اثر این خصیصه را در قوانینی که به مقابله به مثل اعتقاد دارند به روشنی می توان دید. آنجا که از قصاص عضو یا قصاص نفس سخن رانده می شود هدف این است که عذابی را که مجرم بر شخص مجنی علیه وارد آورده

عینا به خود او بازگردانده شود. کیفرهایی چون شلاق، حبس و... نیز همگی هدف رنج آور بودن را برای مجرم دنبال می کنند.

۳- مشخص بودن

مجازات ها و اهداف ناشی از اعمال مجازات، تنها زمانی تحقق می یابد که معین و مشخص باشند. مجازات ها ی احتمالی و متغیر نمی تواند ارعاب و هراس مجرمین را که یکی از اهداف مجازات هاست تامین کند.

۴- قابلیت جبران خسارت ناشی از جرم

مجازات باید بتواند به نحوی ضرر و زیان مادی یا معنوی وارد شده بر مجنی علیه در نتیجه ارتکاب جرم، جبران کند. شدت و میزان مجازات ها نیز با در نظر گرفتن نوع جرم، چگونگی و میزان خسارت وارده تعیین می شود.

۵- قطعی بودن

پس از رسیدگی به دعوی کیفری و طی مراحل قانونی تجدید نظر و یا گذشتن مهلت های قانونی، قانونا رسیدگی مجدد امکان پذیر نیست و حکم اعتبار امر مختومه پیدا می کند، به جز در مورد اعاده دادرسی یعنی رفع اشتباه های موضوعی.

۲- اهداف مجازات ها^۱

۱- مرحوم دکتر نوربها در کتاب زمینه ی حقوق جزای عمومی خود اهداف مجازات ها را به هدف عینی مجازات (اصلاح و تربیت) و هدف ذهنی مجازات (اجرای عدالت) تقسیم نموده اند.

نئوکلاسیک ها از کیفر شایسته و استحقاقی سخن می گفتند از نظر آنان کیفر باید اصلاح کننده، درمان کننده و مفید باشد. یکی از بنیادی ترین نیاز های طبیعی بشر، امنیت است، بدیهی است که در هیچ جامعه ای این حق غریزی نادیده گرفته نمی شود، لذا جامعه برای حفظ آن می ترساند، ارباب می کند و پاداش سخت می دهد.

مهم ترین اهداف مجازات ها عبارت اند از:

۱- ارباب و اصلاح بزهکار^۲

یکی از اهداف مجازات ها این است که بزهکار با تحمل مشقتی که مجازات بر او بار می کند از کرده خود پشیمان شود و دست از ارتکاب اعمال مجرمانه بر دارد. برخی حقوقدانان در این خصوص بیان داشته اند که هرچند امروزه اصلاح و تربیت بزهکار بیش از ارباب و طرد او مورد نظر است اما با توجه به جوهر مجازات ها که قبلا به عنوان ویژگی مجازات ها عنوان شد نمی توان صرفا به اصلاح و تربیت و باز اجتماعی شدن مجرم بی توجه به ذات مجازات ها پرداخت.

۲- ارباب سایرین

این اندیشه که جامعه از خطای هیچ کس بی دلیل چشم پوشی نخواهد کرد باید در اذهان مردم رسوخ کند و ترس از مجازات موجب عدم ارتکاب اعمال مغایر با قانون شود، چرا که ترس از اجرای مجازات یک عامل بازدارنده محسوب می شود.

۳- حمایت از جامعه

۲- هر چند حقوق جزا ایجاد نظم عمومی را به عنوان هدف قبول می کند اما باید اذعان داشت که اگر نظم عمومی را به عنوان هدف

مجازات مطرح کنیم قطعا به اشتباه خواهیم رفت

5نشر: پایگاه مقالات حقوقی، حق گستر

باید ابزاری وجود داشته باشد که از جامعه در مقابل خطراتی که ارتکاب اعمال مجرمانه و مغایر با قانون آن را تهدید کرده است و امنیت و نظم آن را بر هم زده است، محافظت کند و این ابزار همان مجازات است.

۳- اصول حاکم بر مجازات ها

بر کلیه ی مجازات ها اصولی حکومت می کنند که سابقه طولانی در تاریخ دارند و هر یک از آن ها نتیجه ی مجاهدات و کوشش های بی دریغ و بی وقفه نستوهانی است که هرگز از تلاش خویش خسته نشده اند این اصول به قرار ذیل اند

۱- اصل قانونی بودن مجازات ها

یکی از مهمترین اصول اساسی حقوق جزا که تقریبا در تمام کشورهای متمدن مورد قبول قرار گرفته اصل قانونی بودن حقوق جزاست به موجب این اصل که حتی در کلام شعرا^۳ نیز دیده می شود، هیچ مجازاتی بدون وجود قانون قابل تصور نیست. ریشه ی این اصل را در قدیم در جمله "هیچ مجازاتی و هیچ دادگاهی بدون قانون وجود ندارد" می توان دید.

قانونگذاری های مختلف، این اصل را یا در قوانین اساسی خود یا در قوانین جزایی و یا در هر دو گنجانیده اند. امتیازات این اصل را حفظ آزادی های فردی و اجتماعی، آگاهی افراد از نواهی قانونی و توجه ایشان به عواقب ضد اجتماعی که در قالب قانون ریخته شده است می دانند و اشکالات آن را در عدم مجازات خطا

۳- چنان که مولوی می فرماید

لیک بی اصلی نباشد ای ن جزا
هیچ و از روزر غیری بر نداشت
بی گناهی کی بر نجد خدا؟
هیچکس ندرود تا چیزی نکاشت
آنکه بی وزرست شیخ است ای جوان
در قبول حق، چو اندر کف کمان

کارانی می شناسند که اعمال آن ها ضد اجتماعی و خطرناک برای جامعه است اما در محدوده ی قانون جزا قرار نمی گیرد و لذا بدون مجازات می ماند. به عبارت دیگر، وجود این اصل برای بزهکارانی که به قانون و محتویات آن آشنا هستند راه گریزی است تا بتوانند اعمال مجرمانه ی خود را با توجه به عدم وجود متن قانونی انجام دهند. اصل قانونی بودن مجازات ها در مقررات اسلامی را با آن قسمت از آیه ی مبارکه ی سوره اسرا " ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا" و نیز با قاعده "قبح عقاب بلا بیان" توجیه می کنند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده ۱۲ اشعار می دارد که حکم به مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی و اجرای آن ها باید از طریق دادگاه صالح به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. همچنین اصل ۱۶۶ قانون اساسی مقرر می دارد که حکم به مجازات از طریق دادگاه صالح باید به موجب قانون باشد و دادگاه نیز مکلف است مستندات قانونی حکم را در دادنامه ذکر کند. در غیر این صورت حکم در دیوان عالی کشور نقض خواهد شد و قاضی در دادگاه انتظامی قضات محکومیت خواهد یافت. از این اصل دو قاعده مهم عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی^۴ و تفسیر مضیق قوانین کیفری^۵ نتیجه می شود.

۴-عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی به معنای عدم تسری حکم قانون لاحق به مصادیق سابق است. برای این اساس چون قبل از وضع قانون جدید تمامی اشخاص، خود را آزاد در انجام آن عمل می دانسته اند، لذا قانون جدید شامل حال اشخاصی که قبل از وضع و انتشار آن مرتکب عملی شده اند که سابقا جرم نبوده نخواهد شد. علی هذا اصل بر عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری ماهیتی است اما استثنائات این اصل در ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی ذکر شده اند که به قرار ذیل اند

۱-قانون جدید مخفف: مانند قانونی که حداقل مجازات را بالا و حداکثر آن را پایین بی آورد، مثلا مجازات یک تا هفت سال را به سه تا شش سال تغیری دهد

۲-قانون جدید جرم زد: بر این اساس وصف جرم بودن عمل از بین می رود. براساس ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی اگر رفتاری در گذشته جرم بوده و به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود

۱-اگر حکم قطعی صادر شده باشد: اجرا نمی شود

۲-اگر در جریان اجرا باشد: اجرای آن متوقف می شود

۳-اگر حکم قبلا اجرا شده باشد: هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود

۳-قانون جدید مساعد تر به حال متهم مانند قانونی که اقدامات تامینی را جایگزین مجازات کند.

7نشر: پایگاه مقالات حقوقی، حق گستر

۲- اصل قضاامندی مجازات ها

اصل قضاامندی مجازات ها که به معنای لزوم مداخله مقام صلاحیت دار قانونی در حکم به مجازات و اجرای آن است، از اصول بنیادین حقوق جزای نوین می باشد. امروزه حقوق جزا بر لزوم مداخله یمقام صلاحیتدار قضایی در حکم به مجازات و اجرای آن تاکید می شود. بر این اساس، هیچ کس بدون صلاحیت های قانونی لازم نمی تواند در حکم به محکومیت کیفری و سزا دهی متهمان مداخله کند. حقوقدانان کیفری از این اصل که پیوند معنا داری با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها دارد تعبیر های گوناگونی کرده اند گاه آن را اصل قضایی بودن مجازات و گاه آن را مکمل اصل قانونی بودن مجازات ارزیابی کرده اند و برخی آن را از نتایج و جلوه های قانونی بودن جرایم و مجازات ها دانسته اند. با این حال اصل قضاامندی مجازات ها برای ممنوعیت از مداخله ی افراد خودسر و فاقد صلاحیت قانونی است که التزام به آن مایه ی برقراری نظم و انضباط اجتماعی شده و زمینه ساز رعایت حق متهمان برای برخورداری از محاکمه ی عادلانه و استقرار امنیت قضایی شهروندان است.^۶

۳- اصل تساوی مجازات ها

مجازات ها در گذشته بسته به موقعیت و شخصیت انسان ها متفاوت بودند حتی نحوه ی اجرای آن ها در نیز در مورد افراد تفاوت داشت مثلا اینکه نُجبا را گردن می زدند و افراد عادی را به دار می آویختند. یکی از نتایج اصل عدالت صوری آن است که موارد مشابه احکام مشابه دارند. درست است که امروز نیز شخصیت افراد و

۵- در خصوص قوانین شکیلی باید توجه داشت که این قوانین عطف به ماسبق می شوند به این دلیل که نفع و سود مجرم و جامعه در آن است

تفسیر مضیق قوانین جزایی به معنی پایبندی قاضی دادگاه به قدر متیقن مدلول الفاظ قانون می باشد.

۶- جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید به آموزه های حقوق کیفری شماره پنج بهار و تابستان ۱۳۹۲ صفحات ۶۵ الی ۹۶

موقعیت آن‌ها می‌تواند در مجازات موثر باشد ولی از جهت نظری همه افراد در مقابل قانون با یکدیگر مساوی هستند و اجرای کیفر بدون توجه به فرد باید انجام شود. در منابع اسلامی نیز بر این مسئله تاکید شده و معیار عدم تساوی، تقوای افراد است. در حقیقت، جرم مرتکب است که مورد توجه قرار می‌گیرد و به نسبت شدت بزه ارتكابی تعیین کیفر می‌گردد. علل تشدید کننده را قانون معین می‌کند و کیفیات تخفیف دهنده را نیز قانون مشخص می‌سازد. وقتی علتی مسئولیت را رفع می‌کند یا جرمی توجیه می‌شود و یا معافیتی حادث می‌گردد همه ناشی از تصمیم قانونگذار است که باید در مورد افراد به یک نحو اجرا شود. باید یاد آوری کرد که اصل تساوی مجازات‌ها بیشتر نظری است تا عملی، زیرا از سویی افراد از موقعیت‌های مختلفی برخوردارند و بخصوص شرایط مالی بزهکاران در موارد بسیاری می‌تواند موجب رهایی آن‌ها و شکستن این اصل باشد به عنوان مثال هنگام اخذ جریمه در برخی از جرایم توانگران به راحتی جریمه را می‌پردازند و ناتوانان به دلیل عدم توانایی مالی باید مجازات را تحمل کنند و از سوی دیگر هر قاضی در برخورد با افراد به دلیل شخصیت خاص خود به نحو جداگانه برخورد می‌کند: قضات سخت‌گیر سرپیچی از قانون را با شدت کیفر می‌دهند و قضات مهربان تا حد امکان عدول از قانون را چشم‌پوشی می‌کنند! سرنوشت دو مجرم که جرم واحدی را مرتکب شده‌اند در دو شعبه‌ی دادگاه کیفری تفاوت چشم‌گیری دارد و بخصوص اگر به قضات قدرت اعمال مجازات طبق سلیقه آن‌ها داده شود اصل تساوی مجازات‌ها به شدت مورد تهاجم قرار می‌گیرد.

به هر حال، اصل تساوی را شرایط گوناگون شخص مجرم و موقعیت اجتماعی او، خلق و خوی قاضی، افکار عمومی و بسیاری از مسائل دیگر محدود می‌کند ولی همان طوری که تاکید کردیم خدشه به این اصل بیشتر از دیدگاه عملی است.

۴- اصل شخصی بودن مجازات‌ها

در گذشته اقوام و کسان مجرم از مجازات معاف نبودند و علاوه بر مجرم، دیگر افراد و آشنایان مجرم هم مجازات می شدند. اما قانون ژانویه ۱۹۷۰ میلادی به این بی عدالتی پایان داد. بر اساس همین قانون که بعدها به یکی از اصول حاکم بر حقوق جزا تبدیل شد، مجازات ها فقط نسبت به مرتکبان جرم قابل اعمال اند و عوارض آن به هیچ وجه متوجه فامیل و کسان مجرم نخواهد شد. اجرای اصل شخصی بودن را می توان با تاخیر در تاریخ دید زیرا در قدیم نه تنها شخص بزهکار مورد تعقیب قرار می گرفت بلکه خانواده او نیز از تعرض مصون نبود و در مقابل عمل بزهکار مسئولیت داشت. این اصل در حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران نیز پذیرفته شده است به موجب ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مسئولیت کیفری شخصی است. در حقیقت هر انسانی، خود مسئول اعمال ارتكابی خویشتن بوده و جایز نیست که فرد دیگری را به دلیل عملی که مرتکب انجام داده است مورد بازخواست و مجازات قرار داد. در این مورد ماده ۱۴۲ ماده مارالذکر مقرر می دارد "مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری مرتکب تقصیر شود" مانند مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، در جنایت های خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود (ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی) و بیشتر از موضعه باشد (ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی) و ضمناً شخص جنایت را بر خود وارد نکرده باشد (ماده ۴۶۵ قانون مجازات اسلامی)

۵- اصل فردی بودن مجازات ها

به معنای توجه به ویژگی ها و خصوصیات فردی مرتکب در حین تعیین مجازات است. قاضی می تواند با توجه به شخصیت هر بزهکار مجازات وی را بین حداقل و حداکثر و با لحاظ کیفیات مخففه یا مشدده، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و... تعیین کند.

۴- انواع مجازات ها

۱- مجازات های اصلی

قانونگذار برای هر جرم مجازات یا مجازات هایی در نظر گرفته است که فقط در صورتی که مورد حکم دادگاه قرار بگیرند قابل اعمال هستند. این نوع مجازات ها ضمانت اجرای اوامر و نواهی قانونگذار به شمار می روند و در ضمن آن ها نوع، مقدار و مدت مجازات ها تعیین می شوند. در هر صورت ممکن است برای جرمی یکی از دو حالت زیر پیش آید

۱- زمانی که تنها یک مجازات برای جرمی در نظر گرفته می شود که در این حالت قاضی مکلف است همان مجازات را مورد حکم قرار دهد. مانند مجازات مقرر در ماده ۶۴۹ قانون تعزیرات که اشعار می دارد هر کس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود.

۲- حالتی که چند مجازات برای جرمی لحاظ شده باشد که گاهی قاضی مکلف است که همه مجازات ها را مورد حکم قرار دهد مثل مواردی که مجازات جرمی، حبس بعلاوه شلاق یا شلاق بعلاوه جزای نقدی است. از باب نمونه می توان به مجازات مقرر در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات اشاره کرد. در این ماده از مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق سخن به میان آمده و این مجازات از برای کسی است که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد. همچنان که مشاهده می شود قاضی مکلف است برای جرم موضوع این ماده در صورت عدم تحقق عنوان محاربه دو مجازات اعمال کند. حبس

بعلاوه شلاق. گاهی نیز قاضی در انتخاب تمامی مجازات ها یا یک یا دو مجازات مخیر است مانند ماده ۶۴۰ قانون تعزیرات که صدر ماده بیان داشته اشخاص موضوع این ماده به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد. در این ماده قاضی در اعمال هر سه مجازات حبس، جزای نقدی و شلاق مختار است یعنی یا می تواند مجرم را به هر سه مجازات محکوم کند و یا به یک یا دو مجازات از جرایم مذکور.

نمونه دیگر در ماده ۶۷۲ قانون تعزیرات آمده این ماده در باب مجازات مدیر تصفیه ای است که مبادرت به تبانی نموده و مجازات آن را شش ماه تا سه سال حبس و یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی می داند. همچنان که اظهر من الشمس است قاضی در اعمال مجازات حبس و شلاق مختار است. به عبارت دیگر قاضی می تواند یا مجازات حبس را اعمال کند و یا مجازات جزای نقدی را.

الف- مجازات های اشخاص حقیقی

۱- حد

مجازاتاتی که نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی) زنا، لواط، تفریض، مساحقه، قوادی، شرب خمر، محاربه، سرقت، قذف از جمله جرایمی هستند که به عنوان حد ذکر شده اند.

۲- قصاص

مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی)

۳-دیه

اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایجاد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می شود. (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی)

۴-تعزیر

مجازات‌هایی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم.

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره ی نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن.

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم.

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی. (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی)

مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شوند که ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی این درجات را ذکر نموده است.

درجه ۱

-حبس بیش از بیست و پنج سال

-جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

-انحلال شخص حقوقی

درجه ۲

-حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

-جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

-انحلال شخص حقوقی

درجه ۳

-حبس بیش از ده تا پانزده سال

-جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰)

ریال

درجه ۴

-حبس بیش از پنج تا ده سال

-جزای نقدی بیش از یک یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت

میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

-انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجه ۵

-حبس بیش از دو تا پنج سال

-جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

-محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال

-ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی

-ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه ۶

-حبس بیش از شش ماه تا دو سال

-جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت

-محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال

-انتشار حکم قطعی در رسانه ها

- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

-ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

- ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجه ۷

-حبس از نود و یک روز تا شش ماه

-جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- شلاق از یازده تا سی ضربه

- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

درجه ۸

-حبس تا سه ماه

-جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال

-شلاق تا ده ضربه

ب-مجازات اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی دارای ذات قانونی بوده و وجودشان فرضی است که این وجود فرضی به موجب قانون دارای شخصیت خاص و مستقل است مانند شرکتها. ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۳ قانون مذکور مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود و این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست.

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شعلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها

تبصره: مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود.

ماده ۲۱- میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتكاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می شود.

ماده ۲۲- انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می شود که برای ارتکاب جرم ، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین ، فعالیت خود را منحصرآ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

۲- مجازات های تکمیلی یا تمیمی

مجازات های تکمیلی به آن دسته از مجازات هایی گفته می شود که هیچ گاه به تنهایی نمی تواند مورد حکم دادگاه قرار گیرد و در صورت صلاحدید قاضی، با قید در دادنامه، به مجازات های اصلی افزوده می شوند. مجازات های تکمیلی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- مجازات تکمیلی اختیاری

ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی در تعریف مجازات تکمیلی اختیاری بیان می دارد که دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص، یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات تکمیلی محکوم نماید. تعداد مجازات های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ۱۵ مورد بوده که این مجازات ها برابر ماده فوق الذکر به قرار ذیل اند:

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل های معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه ی موتورسیکلی و یا تصدی وسایل موتورسیکلی

ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي

چ- منع از حمل سلاح

ح- منع از خروج اتباع ايران از کشور

خ- اخراج بیگانگان از کشور

د- الزام به خدمات عمومی

ذ- منع عضویت در احزاب ، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم

ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ- الزام به تحصیل

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. اگر مجازات اصلی و مجازات تکمیلی از یک نوع باشد فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد. با این حال برخی حقوقدانان معتقدند که پانزده مجازات یاد شده هرگاه مستقلا مورد حکم قرار گیرند مجازات های اصلی و در غیر این صورت مجازات های تکمیلی هستند. برابر ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی اگر محکوم در طول اجرای

مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت نکند، دادگاه صادر کننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد و در صورت تکرار بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت تا هشت تبدیل می کند. همچنین بعد از گذشت نیمی از مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای احکام در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند. محکومیت به مجازات های تکمیلی فقط در مورد جرایم عمدی صدق نمی کند بلکه در خصوص جرایم غیر عمدی نیز دادگاه می تواند مبادرت به صدور حکم مجازات های تکمیلی کند. شایان ذکر است که مجازات های تکمیلی نیز تابع اصل قانونی بودن مجازات ها هستند.

ب- مجازات تکمیلی اجباری

در مواردی قاضی مکلف است که علاوه بر مجازات اصلی، برای مجرم مجازات تکمیلی نیز لحاظ کند مثل ضبط اشیاء و اموالی که از راه کلاشی بدست آمده است. مانند ماده ۷۱۲ قانون تعزیرات در این ماده بیان شده هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه ی خود قرار دهد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه ی اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد. همچنان که مشخص است در این ماده بیان شده اگر فرد با وجود توان مالی مرتکب جرم موضوع این ماده شود علاوه بر حبس (مجازات اصلی) باید اموال حاصل از تکدی و کلاشی نیز مصادره (مجازات تکمیلی اجباری) شود.

۳- مجازات های تبعی

گاهی محکومیت جزایی آثاری را برای مرتکب در پی دارد که خواه ناخواه بر او بار می شود و نیازی به قید آن ها در حکم دادگاه نیز نمی باشد. این آثار در حقیقت در نتیجه محکومیت کیفری به وجود می آیند که معمولاً محرومیت از یک سری حقوق اجتماعی هستند. البته پس از اجرای حکم و یا شمول مرور زمان، طی مدت زمان خاصی که قانونگذار تعیین کرده است، آثار محکومیت جزایی از بین می رود. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی در باب مجازات های تبعی است. این ماده مقرر می دارد " محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند :

الف- هفت سال

در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی.

ب- سه سال

در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه ی جنایت وارد شده بیش از نصف دیه ی مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه ی چهار.

پ- دو سال

در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه ی جنایت وارد شده نصف دیه ی مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه ی پنج.

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب در پیشینه کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهی های صادره از مراجع ذی ربط منعکس نمی گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره ۲- در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود.

تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد.

باید توجه داشت که محکومیت در جرایم غیر عمدی باعث محرومیت از حقوق اجتماعی نمی شود.

۵- دسته بندی مجازات ها از لحاظ موضوع

۱- مجازات سالب حیات

این مجازات از سخت ترین نوع مجازات است که اغلب در جرایم علیه مقدسات مذهبی، قتل عمدی، افساد فی الارض و امنیت کشور مورد استناد قرار می گیرد. مجازات های سالب حیات عبارتند از صلب، اعدام^۷، قصاص نفس و رجم. در خصوص صلب، بند ب ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مجازات صلب را به عنوان یکی از

۷- مهمترین دلایل مخالفین اعدام عبارت اند از:

۱-غیر قابل جبران بودن اشتباه قضایی ناشی از اجرای حکم اعدام

۲-فقدان حق جامعه در سلب حیات محکوم علیه به ویژه با قصور جامعه در انجام مدیونیت صحیح در جامعه در جهت تامين

سلامتی و زندگی و حفظ نظم و امنیت عمومی

۳-عدم امکان اصلاح بزهکار با مجازات اعدام

۴-فقدان جنبه ی ارعابی مجازات اعدام نسبت به بزهکاران حرفه ای و به عادت و...

مجازات هایی که قاضی می تواند در حق محارب صادر نماید مورد توجه قرار داده است. در مورد اعدام علاوه بر بند الف ماده فوق الذکر می توان به ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات اشاره نمود در این ماده اهانت کننده اگر سب النبى^ا باشد به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. در خصوص قصاص نفس نیز می توان به بندهای سه گانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که با وجود شرایط مقرر در این ماده و سایر شرایط دیگر می توان مرتکب موضوع این ماده را به مجازات قصاص نفس محکوم نمود. و بالاخره در خصوص رجم می توان به ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. در این ماده بیان شده که حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است اما در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک می باشد.

۲- مجازات های بدنی

مجازات هایی که بر جسم مجرم انجام می گیرد بدون اینکه هدف آن ازهاق نفس او باشد فرق این دست مجازات ها با مجازات سلب حیات نیز در همین قسم اخیر الذکر است چرا که در مجازات های سلب حیات، حیات از مجرم سلب می گردد اما در مجازات بدنی بدون اینکه سلب حیات صورت گیرد مجازات بر مجرم اعمال می گردد. مهم ترین مجازات های بدنی عبارتند از قطع عضو و شلاق. مانند مجازات قطع عضو، بریدن دست و پا که در ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است. در خصوص مجازات شلاق هم می توان به ماده ۲۶۶ اشاره کرد برابر این ماده حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است. همچنان که در

۸- به معنی دشنام دهنده به پیامبر است و به نظر می سد که برای تشخیص این مورد باید به موازین فقهی مراجعه کرد

ماده ی فوق مشخص است شلاق تنها مجازات تعزیری نیست، بلکه به عنوان حد برای برخی از جرایم نیز به کار می رود. فلسفه ای که برای مجازات شلاق بیان شده است آن است که درد حاصل از ضربات تازیانه، لذت جرم را از بدن مجرم بیرون می آورد، اجرای آن هزینه ی زیادی ندارد و... این مجازات بیشتر در قوانین اسلامی وجود دارد و در قوانین دیگر مجازات حبس و جزای نقدی مورد توجه قرار گرفته است از نظر فلسفی هم دلایلی برای مخالفت با مجازات شلاق بیان شده است از جمله این که سلول های بدن که مورد آزار تازیانه ای شلاق قرار می گیرند همان سلول هایی نیستند که در زمان ارتکاب جرم وجود داشته اند زیرا سلول های بدن مرتب در حال تغییر و جابه جایی هستند بنابراین مجازات نسبت به همان عضوی که جرم را انجام داده است صورت نمی گیرد. این استدلال نسبت به بقیه ی مجازات ها هم ممکن است قابل استناد باشد اما در پاسخ باید گفت که قوانین موضوعه به عنوان آیینی ی قواعد اجتماعی بر پایه ی ضوابط عرفی استوار است نه استدلال های دقیق عقلی که تنها در مباحث علمی کاربرد دارد و عرف هم میان شخصی که یک سال پیش مرتکب جرمی شده است و اکنون مجازات می شود تفاوتی نمی گذارد هر چند از نظر عقلی ممکن است این شخص همان شخص یک سال قبل نباشد.

۳- مجازات سالب آزادی

مجازات ای است که سلب کننده آزادی افراد است. یکی از مهم ترین مجازات های سالب آزادی مجازات حبس می باشد. زندان برای دو هدف مهم کارایی دارد از یک طرف محلی است برای نگه داشتن مجرم، خواه شخص متهمی که باید مانع گریختن وی از دست عدالت شد یا شخص محکومی که برای پرداخت جریمه ی مقرر نسبت به جرم خود تضمینی ندارد، از طرف دیگر زندان جایی است که محکوم علیه برای مجازات در آن حبس می شود. مسلماً از این کاربردهای زندان نوع اول قدیمی است و از دیرباز به عنوان حربه ی موثری در

مبارزه علیه برهکاری و بزهکار مورد توجه بوده بر اساس قوانین غربی، برخی زندانیان باید در کشتی های پادشاه پارو می زدند (مجازات گالر) یا باید در معادن و باتلاق ها کار می کردند (مجازات فر) و یا به پای مجرم ، وزنه ی سنگینی بسته می شد که باید آن را بکشد (مجازات بانی) اما ابتدائاً با تاثیر پذیری از نظریات هوارد و بنتام از طرفداران مکتب اصلاح زندان ها، زندان های جدیدی مانند زندان سلولی (پنسیلوانیایی) و کار دسته جمعی و استراحت در سلول (اوبورنی) در ایالت پنسیلوانیا و اوبورن آمریکا بوجود آمد و امروزه نیز در شکل و نحوه ی اجرای مجازات حبس تغییرات بسیاری بخصوص در قرن ما ایجاد شده است. چندان که امروزه رژیم های مختلف زندان ها با نظریه های گوناگون در این زمینه به وجود آمده و زندان از شکل ابتدایی خود یعنی چهار دیواری محدود، تاریک، نمناک و فاقد فضا و هوای لازم خارج شده و به محیطی بیشتر درمانی تبدیل شده است.^۹ در مقررات مصرحه ی شرعی نیز هرچند مجازاتی به عنوان حبس پیش بینی نشده است اما منعی برای اعمال آن وجود ندارد و می توان آن را به عنوان مجازات تعزیری اعمال کرد. علی ایحال برابر مقررات قانونی، محکوم علیه را می توان به موجب حکم قطعی به صورت دائم یا غیر دائم یا موقت حبس کرد که از این نظر که آزادی رفت و آمد، اشتغال، سکونت در محل و... را از محکوم علیه سلب می کند به آن مجازات سالب آزادی می گویند و به منظور سازگار کردن مجدد بزهکار با اجتماع و قوانین آن صورت می گیرد. به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی " مدت حبس از روزی شروع می شود که محکوم به موجب حکم قطعی لازم الاجرا حبس می گردد. در صورتی که فرد پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده

۹- به دلیل تحولات و ایجاد محیط تقریباً درمانی مخالفان جدی در مورد مجازات حبس وجود ندارد مگر دو گروه مشخص

۱- کسانی که بخصوص در جرایم مهم بی شتر علی، جان و ضد آسایش عمومی به مجازات اعدام و اجرای بی چون و چرای آن و همچنین مجازات بدنی مانند شلاق معتقد اند

۲- کسانی که اعمال اقدامات تامینی و تربیتی را حتی خارج از حصار زندان ها برای اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرمین کافی می دانند، بخصوص هر دو گروه از مخارج زیاد زندان برای نگهداری مجرمین به عنوان حربه ای علی، آن استفاده می کنند.

مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، سه ضربه شلاق یا سیصد هزار ریال است. به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می گردد.

۴- مجازات های محدود کننده آزادی

این دسته از مجازات ها آزادی عمل فرد را سلب می کند اما محکوم علیه سایر آزادی ها نظیر شغل و مناسبات خانوادگی خود را از دست نمی دهد. عمده ترین این مجازات ها عبارت اند از اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل های معین که در بند الف و ب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی بدان اشاره شده است از دیگر موارد مربوط به مجازات های محدود کننده آزادی می توان به تبعید اشاره کرد. به عقیده ی بکاریا تبعید باید درباره ی کسانی اجرا شود که به جرمی هولناک متهم اند در ماده ۲۲۹ قانون مذکور بیان شده که هرگاه مردی که همسر دائم دارد، قبل از دخول، مرتکب زنا شود، حد وی...تبعید به مدت یک سال قمری است. یا در ماده ۲۴۳ همین قانون حد قوادی برای مرد در بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه به عنوان شلاق حدی، تبعید تا یک سال نیز هست. باید دقت داشت که مجازات تبعید یا نفی بلد برای زنان اعمال نمی گردد زیرا مصلحت آنان اقتضا می کند که به مکانی دور از خانواده ی خود تبعید نشوند تا در معرض انحراف اخلاقی قرار نگیرند در خصوص مدت تبعید هم باید گفت که در قوانین کشور ما مدت تبعید متغیر است، بدین ترتیب که از یک سال (ماده ۲۲۹) و تا یک سال (ماده ۲۴۳) و بیش از یک سال (ماده ۲۸۴) می باشد.

از دیگر موارد مربوط به این مجازات ها می توان به نظام نیمه آزادی اشاره کرد. نظام نیمه آزادی از ابتکارات قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده و شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان

اجرای حکم حبس فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر این ها را در خارج از زندان انجام دهد(ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی) در واقع فرد تنها به منظور فعالیت های فوق مجوز خروج از زندان را دارد و پس از اتمام فعالیت های مذکور موظف به بازگشت به زندان است. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاسیس می شود. استفاده از نظام نیمه آزادی تنها در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت و با صدور حکم توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی، مشروط به گذشتن شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی و... و با رضایت خود محکومان امکان پذیر است(ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی) در طول دوره ی تحمل مجازات، محکوم می تواند در صورت دارا بودن شرایط قانونی، حدود حکم نیمه آزادی را تقاضا کند و دادگاه موظف به رسیدگی است. نگهداری مجرمین در بیمارستان های روانی، نگهداری اطفال در کانون اصلاح و تربیت نیز از دیگر موارد مجازات های محدود کننده ی آزادی هستند.

۵- مجازات های جایگزین حبس

مطابق ماده ی ۶۴ قانون مجازات اسلامی مجازات های جایگزین حبس به پنج دسته تقسیم می گردند که عبارتند از: دوره ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی. این مجازات ها در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه ی نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه ی مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می شود. در ادامه به تشریح انواع مجازات های جایگزین حبس خواهیم پرداخت.

۱- انواع مجازات جایگزین حبس

الف- دوره ی مراقبت

دوره ی مراقبت، برابر ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی دوره ای است که طی آن، محکوم به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح زیر محکوم می گردد:

الف- در جرایمی که مجازات قانونی آن ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه

ب- در جرایمی که مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، شش ماه تا یک سال.

پ- در جرایمی که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال.

ت- در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال.

ب- خدمات عمومی رایگان

خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدتی به شرح ذیل مورد حکم واقع و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می گردد:

الف- در جرایمی که مجازات قانونی آن ها حداکثر سه ماه حبس است، تا دویست و هفتاد ساعت

ب- در جرایمی که مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت

پ-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال است، پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت

ت-در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال است، هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت.

ساعات ارائه ی خدمات عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت نیست و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت نیست. این ساعات ارائه ی خدمات در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود. (تبصره ی ۱ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی). بدیهی است که در حکم به ارائه ی خدمات عمومی ضوابط قانونی کار مثل حفاظت های فنی و بهداشتی و شرایط کار زنان و نوجوانان و ضوابط کارهای سخت و زیار آور باید رعایت شود (تبصره ی ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی). حکم به انجام خدمات عمومی باید با رضایت محکوم باشد، در غیر این صورت مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد. ضمناً دادگاه می تواند به یک خدمت عمومی حکم دهد (تبصره ی ۲ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی). تعلیق یا پیشنهاد تبدیل خدمات عمومی به دادگاه صادر کننده حکم توسط قاضی اجرای احکام امکان پذیر است که باید وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت های خانوادگی و مانند اینها مورد توجه قرار گیرد و تعلیق به صورت موقت بوده و حداکثر تا سه ماه در طول دوره می باشد.

پ-جزای نقدی روزانه

یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم به شرح ذیل مورد حکم واقع می شود و با نظارت اجرای احکام وصول می گردد:

الف-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها حداکثر سه ماه حبس است، تا صد و هشتاد روز

ب-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان

تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، صد و هشتاد تا سیصد و شصت روز

پ-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال است، سیصد و شصت تا هفت صد و

بیست روز

ت-در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال است، هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد

و چهل روز(ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی)

محکوم موظف است در پایان هر ماه، ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت کند(تبصره

ی ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی)

ت و ث -جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی^{۱۰}

میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح ماده ی ۸۶ قانون مجازات اسلامی از قرار ذیل است:

الف-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها حداکثر سه ماه حبس است، تا نه میلیون ریال(۹/۰۰۰/۰۰۰)

ب-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان

تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، از نه میلیون ریال(۹/۰۰۰/۰۰۰) تا هجده میلیون

ریال(۱۸/۰۰۰/۰۰۰)

۱۰-در خصوص محرومیت از حقوق اجتماعی در صفحات پستی توضیحات لازم ذکر خواهد شد.

پ-در جرایمی که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال است، از هجده میلیون ریال (۱۸/۰۰۰/۰۰۰) تا سی و شش میلیون ریال (۳۶/۰۰۰/۰۰۰)

ت-در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال است، از سی و شش میلیون ریال (۳۶/۰۰۰/۰۰۰) تا هفتاد و دو میلیون ریال (۷۲/۰۰۰/۰۰۰)

۲-موارد اجباری صدور حکم به مجازات جایگزین حبس

۱-مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می شوند.

۲-مرتکبین جرایم عمدی حداکثر مجازات آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای مجازات حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می شوند. مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه ی محکومیت کیفری به شرح ذیل باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف-بیش از یک فقره سابقه ی محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری

ب-یک فقره سابقه ی محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

۳-مرتکبین جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند

۴- مرتکبان جرایم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می شوند (اجباری) مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به جایگزین حبس اختیاری است.

۳- موارد اختیاری صدور حکم به مجازات جایگزین حبس

۱- دادگاه در محکوم کردن مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس، مختار است. مگر اینکه یکی از شرایط ماده ی ۶۶ قانون مجازات اسلامی وجود داشته باشد که در این صورت اعمال مجازات جایگزین حبس ممنوع است.

۲- در مورد مرتکبان جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی آن ها بیش از دو سال حبس باشد، صدور حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

۴- موارد ممنوعیت صدور حکم به مجازات جایگزین حبس

۱- صدور مجازات جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور^{۱۱} ممنوع است

۲- تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی آن ها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

۳- در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال حبس است، در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم کند.

التهایه در خصوص حکم به مجازات جایگزین حبس باید به نکات ذیل نیز توجه داشت:

۱۱- موضوع فصل اول کتاب پنجم از ماده ی ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون تعزیرات

۱- دادگاه می تواند در خصوص مجازات هایی که همراه با مجازات جایگزین حبس هستند، همزمان با مجازات های مقتضی، حکم به مجازات جایگزین حبس نیز صادر کند.

۲- مجازات قانونی جرم ارتكابی، ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدید نظر خواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس است.

۳- قاضی اجرای احکام می تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف مجازات مورد حکم را به دادگاه صادر کننده رای پیشنهاد کند.

۴- دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود. محکوم در طول دوره ی محکومیت باید تغذیه ذاتی نظیر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد.

۵- مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون صادر شده است، اجرا نمی شود. در صورتی که رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک بار بقیه ی مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

۶- در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مجازات های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن بعد از رفع مانع اجرا می گردد.

۷- چنانچه مانع اجرای مجازات جایگزین حبس به واسطه ی رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا خواهد شد.

۸- مقررات مربوط به فصل مجازات های جایگزین حبس، پس از تصویب آیین نامه موضوع ماده ی ۷۹ لازم الاجرا می شود.

۵- ضمانت اجرای تخلف از دستورات دادگاه در مجازات های جایگزین حبس

۱- برای بار نخست، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رای دادگاه، یک چهارم تا یک دوم به مجازات جایگزین حبس افزوده می شود.

۲- در صورت تکرار مجازات، حبس اجرا می گردد.

۶- مجازات های مالی

در مجازات های مالی، مجرم با دادن مال تنبیه می شود مجازات های مالی در اصطلاح حقوقی با عنوان جزای نقدی، ضبط یا مصادره و استرداد اموال شناخته می شوند.

الف- جریمه یا جزای نقدی

جزای نقدی در زمره ی مجازات های تعزیری اصلی یا تمیمی است و عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. با توجه به اصل شخصی بودن مجازات ها فقط محکوم علیه مسئول پرداخت جزای نقدی است و در صورت فوت او، از وراث قابل مطالبه نیست، اما خسارت که عبارت است از ورود ضرر و زیان به دیگری برخلاف جزای نقدی پس از مرگ مجرم قابل مطالبه از وراث است.

۱- محاسن جزای نقدی

۱- فساد انگیز نبودن کیفرهای مالی به عکس مجازات های سالب آزادی. چرا که انتخاب جزای نقدی به جای

زندان که محیط آن معمولاً جرم زاست، مانع تباهی و فساد مجرمین اتفاقی می گردد

۲- پرداخت جزای نقدی ولو به کرات ایجاد عادت نکرده و خصوصیات ارباب را همیشه حفظ می کند. در

حالی که مجازات حبس نسبت به مجرمین تکرار کننده جرم، اثر ارباب نداشته و بزهکار پس از یکی دو بار

زندانی شدن به محیط زندان عادت می کند.

۳- جزای نقدی بهترین مانع برای جلوگیری از ارتکاب جرایم علیه مالکیت است.

۴- جزای نقدی بر خلاف زندان برای خزانه ی دولت ایجاد منفعت می کند و منبع درآمدی برای دولت قلمداد

می گردد.

۵- برقرار کردن تناسب و ایجاد انطباق میان جرم ارتکاب یافته و مجازات جزای نقدی، از هر مجازات دیگری

سهل تر است

۲- معایب جزای نقدی

۱- این مجازات با اصل تساوی مجازات ها منافات دارد زیرا جزای نقدی برای بزهکار فقیر کیفری سنگین و

برای مجرمین ثروتمند، کیفری است بی اهمیت و خفیف

۲- گاهی اوقات امکان وصول جزای نقدی به علت حالاتی مثل اعسار وجود ندارد

۳- جزای نقدی فاقد ویژگی ارباب نسبت به اغنیا می باشد.

۴- متناسب کردن جزای نقدی با میزان داری و توانایی مالی مجرم از نظر اهداف مجازات و فردی کردن آن عملاً ممکن نیست، زیرا افراد بزهکار سعی در مخفی کردن اموال و دارایی خود دارند.

۵- عدم توانایی افراد کم بضاعت در پرداخت جزای نقدی، موجب فرستادن آنان به زندان و تحمل مجازات حبس می گردد.

۳- انواع جزای نقدی

الف- جزای نقدی اصلی

گاهی قانونگذار جزای نقدی را به عنوان مجازات اصلی جرم ارتكابی معین می نماید. در این صورت دادگاه مکلف به صدور حکم جزای نقدی است. مانند شرکت کردن در آزمون مدارس به جای داوطلب اصلی (موضوع ماده ی ۵۴۱ قانون تعزیرات) که مرتکب مستوجب جزای نقدی از دویست هزار تا یک میلیون ریال می باشد.

ب- جزای نقدی تکمیلی

گاهی قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی حبس یا شلاق برای مرتکب جرم ، جزای نقدی را به عنوان کیفر تکمیلی معین نموده است. در مقابل، دادگاه در صدور حکم به جزای نقدی به عنوان کیفر تکمیلی گاهی مکلف است و گاهی مخیر.

۱- جزای نقدی تکمیلی اجباری

مصادیق تکلیف دادگاه در تعیین جزای نقدی تکمیلی اجباری علاوه بر کیفر اصلی از نوع دیگر در ضمن صدور حکم عبارتند از:

۱- محکومیت به پرداخت جزای نقدی معادل مال مورد کلاهبرداری علاوه بر حکم به حبس و رد اصل مال به صاحب آن (موضوع ماده ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و تایید ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام)

۲- ساختن ، فروختن ، در معرض فروش قرار دادن، وارد کردن به کشور یا در اختیار دیگری قرار دادن آلات و وسایل مخصوص به قمار بازی (موضوع ماده ۷۰۷ قانون تعزیرات) که مستوجب مجازات یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی علاوه بر کیفر اصلی سه ماه تا یک سال حبس می باشد.

۲- جزای نقدی تکمیلی اختیاری

گاهی قانونگذار حکم به جزای نقدی تکمیلی را به اختیار دادگاه قرار داده است و معمولاً بعد از تعیین مجازاتی از نوع دیگر مثل حبس، عبارت " و یا " را بکار برده است. مانند مقررات مربوط به ماده ۷۰۸ قانون تعزیرات.

پ- جزای نقدی ثابت

چنانچه قانونگذار میزان جزای نقدی را در قبال یک جرم به مقداری ثابت و یا با حداقل و حداکثر مشخص تعیین نماید، جزای نقدی ثابت مطرح است، هر چند در قوانین سابق شاهد این نوع جزای نقدی هستیم به عنوان مثال می توان به ماده ۱۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۷۲ اشاره کرد که جزای نقدی در این ماده از یک هزار ریال تا ده میلیون ریال تعیین شده، اما چون این شیوه از نوسان ارزش پول تاثیر می پذیرد، امروزه کمتر در قوانین موضوعه مصداق دارد.

ت- جزای نقدی نسبی

در این قسم از جزای نقدی مبلغ مشخص و ثابتی برای جرم لحاظ نمی شود و هدف از آن این است که مجرم را از تلاش برای دستیابی به منفعت ناحق، با تعیین جریمه ای بیش از عایدی جرم منصرف کند. مثل ماده ی ۵۶۱ قانون تعزیرات که مجرم را به پرداخت جریمه ی نقدی معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می کند.

ب- ضبط یا مصادره ی اموال

این مجازات مربوط به وقتی است که دولت به موجب حکم دادگاه، به تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه تسلط یابد. مصادره شامل دو قسم است.

۱- مصادره ی عام

حالتی را که تمام اموال مجرم به نفع دولت ضبط شود مصادره ی عام یا اعدام مدنی گویند، به عبارت دیگر مصادره ی کلیه ی اموال منقول و غیر منقول و نقدی و غیر نقدی محکوم علیه در تعریف مصادره ی عام قرار خواهد گرفت.

۲- مصادره ی خاص

یعنی مالکیت دولت بر بخشی از اموال که می تواند موضوع جرم، نتیجه ی جرم و یا وسیله ی جرم باشد. مثل تبصره ی ۲ ماده ی ۶۴۰ قانون تعزیرات که اشعار می دارد اشیای مذکور ضبط و محو آثار می گردد و جهت استفاده ی لازم به دستگاه دولتی ذی ربط تحویل خواهد شد. یا ماده ی ۷۰۹ قانون تعزیرات که مقرر می دارد: تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می شود.

باید دقت داشت که معمولاً ضبط مال در مرحله ی تحقیق و مصادره ی اموال با صدور حکم دادگاه است ضبط همانند مصادره از نظر حقوقی شامل اموال منقول و غیر منقول می گردد اما باید توجه داشت که ضبط مال ممکن است با مقاصد مختلفی چون استرداد مال به صاحب آن^{۱۲}، ضبط به عنوان حفظ و نگهداری جهت تعیین تکلیف در دادگاه به عنوان اقدام احتیاطی^{۱۳}، ضبط مال جهت فروش^{۱۴}، ضبط مال به عنوان مراعات منافع دولت و بیت المال^{۱۵} انجام گیرد.

ج - استرداد اموال

اصولاً موضوع اخذ مال از بزهکار و رد مال به صاحب آن به حکم قانون و به عنوان تکلیف مجرم، با اتخاذ تصمیم از سوی مقامات و مراجع قضایی می باشد. در واقع مراجع قضایی دو وظیفه ی " اخذ اشیا و اموال " و " استرداد اشیا و اموال " را برعهده دارند. معمولاً، اموال حاصل از جرم از طرف مأمورین کشف جرم، به منظور استرداد آن اموال به صاحب آن ضبط می گردد. گاهی استرداد مال حاصل از جرم به حکم قانون است و لذا به تقویم دادخواست ضرر و زیان نیازی نیست مثل تکلیف قانونی دادگاه در اجرای ماده ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی.

۱۲- ماده ی ۸ قانون نحوه ی اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۶/۱۷ مقرر داشته دادگاه پس از احراز نامشروع بودن اموال و دارای اشخاص حقیقی و یا حقوقی در صورتی که مقدار آن معلوم باشد چنانچه صاحب آن مشخص است باید به صاحبش رد شود...

۱۳- در این خصوص می توان به مادتهای ۱۴ و ۱۷ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ و ماده ی ۸ آیین نامه ی تبصره ی ۲ ماده ی ۱ قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران فروشان مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۷ اشاره کرد

۱۴- بند الف ماده ۱۱ قانون اصلاح انحصار بازرگانی خارجی مصوب ۱۳۱۱/۵/۱۹ در این خصوص مقرر می دارد: کلیه ی اجناسی که بر خلاف مقررات این قانون وارد مملکت بشود قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته می شود.

۱۵- در این خصوص می توان به تبصره ی ۲ ماده ی ۱۵ قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷/۷/۲۶ و ماده ی ۳ قانون منع خرید و فروش کوپن های اساسی مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ اشاره نمود

۷- مجازات های سالب حیثیت

ریختن آبروی محکوم علیه و علنی کردن جرم ارتكابی وی نزد سایر مردم مجازاتی است که در قوانین ما به چند شکل پیش بینی شده است. مثل اعلام حکم به وسیله ی نصب پارچه در محل وقوع جرم، نصب پلاکارد، اعلام نام محکوم علیه در جراید و روزنامه ها، معرفی محکوم علیه از طریق رسانه های جمعی و...

۸- مجازات های سالب حق

برخورداری از حقوق اجتماعی و مساوی حق هر شهروندی است منتها برخی افراد با انجام جرم خود را از این حقوق محروم می نمایند، مطابق ماده ی ۲۶ قانون مجازات اسلامی حقوق اجتماعی عبارت است از:

الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شورا های اسلامی شهر و روستا

ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیات دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور

پ- تصدی ریاست قوه ی قضاییه ، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری

ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراها، احزاب و جمعیت هابه موجب قانون یا با رای مردم

ث- عضویت در هیات منصفه و امناء و شوراها ی حل اختلاف

ج- اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه های گروهی

چ-استخدام و یا اشتغال در کلیه ی دستگاه های حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان ها و شرکت های وابسته به آن ها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظارت رهبری، شهرداری ها و موسسات مامور به خدمات عمومی و دستگاه های مستلزم تصریح با ذکر نام برای شمول قانون بر آن ها.

ح-اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری.

خ-انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام.

د-انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی

ذ-استفاده از نشان های دولتی و عناوین افتخاری

ر-تاسیس، اداره یا عضویت در هیات مدیره ی شرکت های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا موسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

دادگاه می تواند محکوم علیه را از یک یا چند یا همه ی موارد فوق به عنوان مجازات های تنمیمی اختیاری محکوم کند. البته محرومیت از این حقوق گاهی می تواند به صورت مستقل مورد حکم قرار گیرد و یا صدور حکم به محکومیت ممکن است برای قاضی اجباری و الزامی باشد. همانند ماده ی ۵۷۰ قانون تعزیرات در خصوص محرومیت از مشاغل دولتی.

۹-مجازات های ممنوعیت از اشتغال به کسب یا حرفه

برخی از افراد مشاغل و حرفی دارند که به واسطه ی آن، ارتکاب جرم برایشان تسهیل می شود. قانون برای جلوگیری از تکرار جرم، برخی اشخاص را از مشاغلی که ویژگی مذکور را دارند برکنار می کند، این اقدامات بیش از همه به اقدامات تامینی شباهت دارند مانند مجازات انفصال برای کارمند یا ماموری که به مناسبت آن شغل، مرتکب جرم شده است. خودداری از اشتغال به کار یا حرفه ای معین ممکن است در اجرای دستور دادگاه، ضمن قرار تعلیق اجرای مجازات و یا اعطای آزادی مشروط، به محکوم علیه تکلیف شود که این ممنوعیت تا پایان مدت تعلیق یا آزادی مشروط ادامه دارد. برابر ماده ی ۳۰ قانون مجازات اسلامی منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه ی کسب، حرفه یا کار است. مشروط بر اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

۱۰- مجازات محرومیت از خدمات عمومی

برابر مقررات قانونی قاضی می تواند با ملاحظه ی خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در موقع لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اوجانی، نسترن؛ ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، انتشارات گام حق.

۳. بکاریا، سزار؛ ۱۳۸۹، رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها، ترجمه: دکتر محمد علی اردبیلی، چاپ ششم، نشر میزان.

۴. پیرانی، محمد؛ ۱۳۹۳، تلخیص فلسفه حقوق مارک تبیت، پایگاه اینترنتی نشر مقالات حقوقی حق گستر.

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ۱۳۸۴، ترمینولوژی حقوق، چاپ پانزدهم، انتشارات کتابخانه گنج دانش.

۶. حجاریان، محمد حسن؛ ۱۳۸۷، تجلی مفاهیم و نظام حقوقی در شعر فارسی، چاپ اول، انتشارات

جنگل.

۷. حجتی، سید مهدی؛ ۱۳۸۴، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، انتشارات میثاق

عدالت.

۸. زراعت، عباس؛ ۱۳۸۰، شرح قانون مجازات اسلامی - بخش کلیات، چاپ دوم، انتشارات ققنوس.

۹. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.

۱۰. کاسپار. ک. ریم اشنایدر؛ ۱۳۸۱، زندان و مجازات در آناتولی قدیم، ترجمه: حسین بادامچی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۸.

۱۱. گلدوزیان، ایرج؛ ۱۳۸۹، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، چاپ نوزدهم، نشر میزان.

۱۲. محسنی ، مرتضی ؛ ۱۳۹۲ ، دوره حقوق جزای عمومی- کلیات حقوق جزا- جلد اول ، چاپ چهارم ، انتشارات گنج دانش.

۱۳. معین ، محمد؛ ۱۳۸۷ ، فرهنگ فارسی یک جلدی ، چاپ یازدهم ، انتشارات سرایش.

۱۴. نوبهار، رحیم ؛ ۱۳۹۲ ، اصل قضاوندی مجازات ها، آموزه های حقوق کیفری ، شماره ۵.

۱۵. نور بها ، رضا ؛ ۱۳۸۷ ، زمینه حقوق جزای عمومی ، چاپ بیست و یکم، انتشارات کتابخانه گنج دانش.